

اعتباریابی، رواسازی و تعیین ساختار عاملی مقیاس راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان

Exploring the Validity, Reliability and Factor Structure of Adolescent Coping Strategies

Parirokh Dadsetan, PhD

Islamic Azad University
South Tehran Branch

Marzie Hajizadegan

M. A. in Psychology

مرضیه حاجی‌زادگان

کارشناس ارشد روان‌شناسی

دکتر پریرخ دادستان

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

Ahmad Alipour, PhD

Payame Noor University

Ali Asgari

PhD Student

Tehran University

علی عسگری

دانشجوی دکتری روان‌شناسی

دانشگاه تهران

دکتر احمد علی پور

دانشگاه پیام نور

Abstract

This study investigated the validity, reliability and factor structure of Adolescent Coping strategies (Frydenberg & Lewis, 1993 a) in Iranian adolescents. 799 high school students (365 males, 434 female) was selected through multi-stage sampling method and administered the ACS and Persian version of Defense Mechanism Questionnaire (Andrews, Singh, & Bond, 1993). The results based on item analysis (item-total correlation & difficulty degree) showed 12 items (correlated lowly with the total) constituted a sub-scale (apathetic withdrawal) whit alpha coefficient 0.63. Cronbach's alpha and test-retest coefficient for the scale were 0.88 & 0.71 respectively. The result of principle component analysis (PC) and Promax rotation suggested the structure of the scale in Iranian population (deleting 5 items without the factor loads) contains 9 factors (help seeking, affiliation, worry, try & anticipation, focus of the positive, denial, passive aggression, seek spiritual support, physical recreation). Goodness-of-fit indices of confirmatory factor analysis confirmed the 9 extracted factors. In addition, the results of second-order factor analysis showed the model of two first order factors as adjusted (with 5 factors) and mala-djusted (with 4 factors) strategies fitted more than the one-factor model. The positive correlation coefficients between the factors of ACS and Defense Mechanism Questionnaire confirmed the convergent validity of the scale.

Key words: coping strategies, coping style, reliability, validity, adolescent, cofirmatory factor analysis, second order factor analysis.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی، رواسازی و تعیین ساختار عاملی مقیاس راهبردهای مقابله‌ای (فرایدنبرگ و لوئیس، ۱۹۹۳ الف) در نوجوانان ایرانی در نمونه‌ای به حجم ۷۹۹ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی (۳۴۵ پسر و ۴۵۴ دختر) که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند، اجرا شد. ابزار پژوهش را دو پرسشنامه مقیاس راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان (ACS) و فرم فارسی پرسشنامه سبکهای دفاعی (اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳؛ بشارت، ۱۳۸۳) تشکیل داد. تحلیل سؤالیهای مقیاس بر پایه محاسبه درجه دشواری، قدرت تشخیص (ضریب دو رسته‌ای نقطه‌ای) و ضریب آلفای کرونباخ نشان داد ۱۲ سؤال که با کل مقیاس همبستگی ضعیف و منفی داشتند، با مفهوم انزوای مایوسانه تشکیل یک زیر مقیاس مستقل با ضریب آلفای ۰/۶۳ را می‌دهد. این ضریب، برای کل مقیاس برابر با ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی با فاصله (دو هفته) برابر با ۰/۷۱ بود. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) با استفاده از چرخش پرومکس نشان داد که پرسشنامه (با حذف ۵ سؤال بدون بار عاملی) از ۹ عامل کمک‌طلبی، پیوندجویی، نگرانی‌پذیری، تلاش و پیشاپیش‌نگری، مثبت‌نگری، انکار، پرخاشگری فعل‌پذیر، مذهب‌گرایی و فعالیت بدنی تشکیل شده است. شاخصهای برازش تحلیل عاملی تأییدی بر پایه نرم‌افزار LISREL، وجود عوامل نه‌گانه را تأیید کرد. نتایج مقایسه مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم و مدل تک‌عاملی برای بررسی ساختار عاملی مشخص کرد که مدل نخست با دو عامل مرتبه یکم یعنی سبکهای سازش یافته (با پنج عامل) و سازش نایافته (با چهار عامل) برازش بیشتری نسبت به مدل تک عاملی دارد. همبستگی مثبت و معنادار بین عوامل نه‌گانه با پرسشنامه سبکهای دفاعی، روایی همگرایی مقیاس راهبردهای مقابله‌ای را تأیید کرد.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای مقابله‌ای، سبک مقابله‌ای، اعتبار، روایی،

نوجوان، تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل عاملی مرتبه دوم.

Contact in formation e-mail : pdadsetan@yahoo.com

مقدمه

پژوهش درباره نوجوانان و روابطشان با گروههایی که در چهارچوب آنها زندگی می‌کنند در خلال سه دهه گذشته، به‌گونه‌ای قابل ملاحظه افزایش یافته است. به‌رغم نگرانی برخی از پژوهشگران، درباره طیف گسترده خواسته‌ها، تعارضها و فرصتهایی که نوجوانان با آنها مواجه می‌شوند، بسیاری از تحقیقات مروری، نوجوانی را به‌گونه‌ای مثبت به تصویر کشیده‌اند. در نتیجه، اسطوره‌هایی که بر اساس آنها، نوجوانی را دوره طوفان و تنیدگی، تغییرات هورمونی را علت مشکلات و یا بالاخره، تضاد بین نسلها و فاصله-گیری نوجوانان از والدینشان را اجتناب‌ناپذیر می‌دانسته‌اند، در سالهای اخیر از هم پاشیده‌اند (پترسن^۱، ۱۹۹۳ نقل از فرایدنبرگ، ۱۹۹۷). امروزه به خوبی می‌دانیم که میزان اختلالهای روانی در نوجوانی، بیش از گروههای سنی دیگر نیست و اغلب پژوهشها در مورد سلامت نوجوانان مبین این نکته‌اند که گذار بسیاری از آنها از این دوره بدون بروز مشکلات معنادار انجام می‌شود. با این حال، دوره نوجوانی نیز مانند دیگر دوره‌های گستره زندگی، تنیدگیها و نگرانیهای خاص خود را دارد (فرایدنبرگ، ۱۹۹۷). عواملی مانند دگرگونیهای ناشی از رشد جسمانی، مواجهه با جنس مخالف، انجام تکلیفهای مدرسه و آماده‌سازی خود برای پذیرش شغل در آینده و ... از عناصر تنیدگی‌زایی^۲ هستند که در این دوره نوجوان باید با آنها مقابله کند.

از دیدگاه فلکمن^۳ و لازاروس^۴ (۱۹۸۴؛ نقل از فرایدنبرگ، ۱۹۹۷) مقابله یک پدیده پویا است که از یکسو وضعیت کنشهای^۵ شناختی و عاطفی فرد را در مواجهه با عناصر تنیدگی‌زا یا پیامدهای ناشی از آنها، و از سوی دیگر، مهار نیازهای درونی و انتظارات بیرونی خاص را - به ویژه هنگامی که نیازها فراتر از توان فرد هستند و قابلیت‌های او را به چالش می‌طلبند - نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، پاسخهای مقابله‌ای کوششهایی هستند که فرد برای بازگرداندن تعادل یا حذف اغتشاش به کار می‌بندد و پیامد آن، حل مسئله و تطبیق با مشکل یا

فقدان دستیابی به یک راه‌حل است (فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۸).

از دیدگاه لازاروس (۱۹۶۶) که عمده‌ترین نظریه مقابله‌ای را عنوان کرده است، مقابله به جای اینکه صرفاً مترادف با حل مسئله در نظر گرفته شود، بر فرد، محیط و شیوه‌های تعامل آنها در موقعیتهای تهدیدآمیز استوار است. همچنین این مؤلف بر نقش محوری شناخت بر پیامدهای هیجانی اشاره می‌کند، ادراک موقعیت را تابع شیوه ارزیابی فرد می‌داند و به متمایز کردن دو سبک مقابله‌ای می‌پردازد: سبک «مسئله محور»^۶ و سبک «هیجان محور»^۷. در مقابله مسئله محور تمرکز فرد بر عنصر تنیدگی‌زا است و کوشش می‌کند تا با بررسی ابعاد و راهبردهای حل مسئله (کائسار و منیر، ۲۰۰۴) مانند کمک‌طلبی از دوستان، افراد متخصص و ... رابطه تنیدگی‌زا بین خود و محیط را تغییر دهد. اما هدف مقابله هیجان محور، نظم‌دهی به حالت هیجانی ناشی از تنیدگی است و با اجتناب از عامل تنیدگی‌زا، ارزیابی مجدد آن از زاویه شناختی و توجه به جنبه‌های مثبت خود و موقعیت، تحقق می‌یابد. هر دو روش مقابله با استفاده از امکانات شناختی یا رفتاری می‌توانند مؤثر باشند (موهینو، کرچنر و فورنز، ۲۰۰۳). مع هذا، برخی از مؤلفان بر این باورند که مقابله مسئله محور در موقعیتهایی که امکان تغییر باورهای فرد وجود دارند، مؤثرتر است در حالی که مقابله هیجان محور در موقعیتهایی به کار می‌رود که تغییر آنها مشکل یا غیر ممکن به نظر می‌رسد (فلکمن و لازاروس، ۱۹۸۴ نقل از فرایدنبرگ، ۱۹۹۷) افزون بر مقوله‌سازی ذکر شده، موس^۸ (۱۹۹۳) نقل از موهینو، کرچنر و فورنز، ۲۰۰۳) یک مفهوم چند بُعدی مقابله را بر مبنای دو محور گسترده طبقه‌بندی پیشنهاد کرده است: محور مقابله و روش مقابله. در چهارچوب محور مقابله، دو سبک ارتباطی مهم وجود دارد: یکی از سبکها مسئله محور و دیگری هیجان محور است که وی آنها را به ترتیب مقابله روی آوردی^۹ و مقابله اجتنابی^{۱۰} نامیده است.

1. Peterson, A. C.
2. stressor
3. Folkman, S.
4. Lazarus, R. S.

5. functions
6. problem-focused
7. emotional-focused
8. Moss, R. H.

9. approach coping
10. avoidance coping

نشان می‌دهد که شیوه‌های مقابله‌ای سازش نایافته با عناصر تنیدگی‌زا به علت منحرف شدن سرمایه‌گذاری نیرویی نوجوانان از فرایند یادگیری، کنش‌وری بهینه تحصیلی و تحول روانشناختی متناسب با سن را دچار اختلال می‌کند و شکست تحصیلی نوجوانان را در پی دارد. بدین ترتیب اهمیت بررسی فرایند راهبردهای مقابله‌ای که اثر قابل توجهی بر تنیدگی و سلامت دارند (آلدوین، ۲۰۰۰) آشکار می‌شود.

آزمونهای متفاوتی مانند فهرست مقابله‌ای^۱ (فلکمن و لازاروس، ۱۹۸۴ نقل از فرایدنبرگ، ۱۹۹۷)، مقیاس سبکهای مقابله‌ای^۲ (بنزور و رشف‌فایر، ۲۰۰۳)، پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان^۳ (راجرز، ۱۹۹۳ نقل از راجرز، ۱۹۹۵) برای سنجش این راهبردها و سبکهای مقابله‌ای تدوین شده‌اند. اما اکثر این آزمونها به سنجش راهبردهای مقابله‌ای بزرگسالان می‌پردازند و نمی‌توانند تصویر مناسبی از وضعیت تنیدگی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان به دست دهند. در حالیکه به دلیل دگرگونیهای عظیمی که در نوجوانی روی می‌دهند، ضرورت شناسایی راهبردهای غالب در این دوره به منظور اتخاذ شیوه‌های مداخله‌گری مناسب و سوق دادن افراد به سوی راهبردهای سازش یافته احساس می‌شود. مقیاس راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان (فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳ الف) به همین منظور طراحی شده است و با توجه به ضرورت شناخت راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان ایرانی، در پژوهش حاضر رواسازی^۴، اعتباریابی^۵ و ساختارعاملی این مقیاس در نوجوانان شهر تهران بررسی شد.

بدین منظور سؤلهایی که در پی می‌آیند مطرح شد:

- ۱- آیا آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان در جامعه نوجوانان ایرانی از روایی^۶ مناسبی برخوردار است؟
- ۲- آیا آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان در جامعه ایرانی از اعتبار^۷ کافی برخوردار است؟
- ۳- آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان از چه عواملی اشباع شده است؟

روش مقابله نیز شامل دو مقوله است: شناختی که در بر گیرنده نوعی عمل درونی و ذهنی برای مبارزه علیه تنیدگی است و رفتاری، که نوعی پاسخ برونی را شامل می‌شود.

فرایدنبرگ و لويس (۱۹۹۳ ب) بر این باورند که هر دو سبک مقابله‌ای مسئله محور و هیجان محور، سبکهای سازش یافته هستند و به فرایند سازش‌پذیری فرد با موقعیت تنیدگی‌زا کمک می‌کنند. افزون بر آن، سبک سومی نیز مطرح می‌شود که راهبردهای مقابله‌ای سازش نایافته را مشخص می‌کند. این سبک مقابله‌ای به معنای شکست فرد در مقابله با تنیدگیها است، فعالیتهای روزمره را دچار اختلال می‌کند و کاربرد آن موجب وخیمتر شدن شرایط می‌شود (فرایدنبرگ، ۲۰۰۲).

پژوهشهای مختلف به بررسی اثر سن، جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی در انتخاب راهبرد مقابله‌ای افراد پرداخته‌اند. همانطور که مطالعات استرن و زیوون (۱۹۹۶) نشان داده‌اند نوجوانان کم‌سن‌تر بیش از نوجوانان بزرگتر راهبردهای هیجان محور را به کار می‌برند و پژوهشهای دیگر (کائسار و منیر، ۲۰۰۴؛ همپل و پترمن، ۲۰۰۵؛ استرن و زیوون، ۱۹۹۶؛ ریکلیتیس، نوآم و دیپل، ۱۹۹۹؛ و فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳ ب و فرایدنبرگ، ۲۰۰۲) نیز مبین آنند که کاربرد راهبردهای سازش نایافته در کودکان و نوجوانان نسبت به راهبردهای هیجان محور و مسئله محور بیشتر است.

نقش تفاوت‌های جنسی نیز توسط بسیاری از پژوهشگران مطرح شده است، برای مثال: کائسار و منیر (۲۰۰۴) مردان را مسئله محورتر از زنان دانسته‌اند و لازاروس (۱۹۸۰) نقل از فرایدنبرگ و لويس (۱۹۹۶)، رنک و کریزی (۲۰۰۳)، ریکلیتیس، نوآم و دیپل (۱۹۹۹)، بالدوین، هریس و چمبلیس (۱۹۹۷) رفتارهای مقابله‌ای اجتنابی و بین فردی را در قلمرو راهبردهای مقابله‌ای زنان قرار داده‌اند.

به طور کلی پژوهش فرایدنبرگ، لويس، بوگالسکی، کوتا، مک کارتی، لاسکومب - اسمیت و دیگران (۲۰۰۴)

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و در دسته پژوهشهای پیمایشی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش شامل همه دانش‌آموزان دبیرستانهای دخترانه و پسرانه شهر تهران در پایه تحصیلی دوم و سوم در رشته‌های تحصیلی علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی بود که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ به تحصیل اشتغال داشتند. از این جامعه براساس روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای خوشه‌ای ۷۹۹ دانش‌آموز (۳۴۵ پسر و ۴۵۴ دختر) انتخاب شد. بدین ترتیب که در مرحله نخست شهر تهران به پنج بخش اصلی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. در مرحله دوم از هر بخش یک منطقه آموزشی (یک، چهار، پنج، یازده و نوزده) و از هر منطقه چهار دبیرستان (۲ دخترانه و ۲ پسرانه) و از هر مدرسه ۶ کلاس (از سه رشته و دو پایه تحصیلی) و در مرحله آخر از هر کلاس به طور میانگین ۱۵ نفر به تصادف انتخاب شدند.

ابزار پژوهش: مقیاس راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان:

این مقیاس را فرایدنبرگ و لويس (۱۹۹۳ الف) طراحی کرده‌اند که با ۸۰ سؤال ۱۸ راهبرد مقابله‌ای را از هم متمایز می‌کند این راهبردها با اجرای تحلیل عاملی در سه سبک قرار گرفته‌اند که دو سبک حل مسئله^۱ و ارجاع به دیگران^۲ - معادل سبکهای مسئله محور و هیجان محور - سبکهای سازش یافته هستند، سبک سوم که سبک غیرمولد^۳ نامیده شده است یک سبک سازش نیافته است (جدول ۱). ۷۹ سؤال به بررسی ۱۸ راهبرد مقابله‌ای می‌پردازند و یک سؤال ناتمام نیز مطرح می‌شود که به منظور بررسی راهبردهایی است که ممکن است توسط فرد به کار روند اما در سؤالها نیامده باشند. هر یک از ۱۸ راهبرد شامل ۳ تا ۵ پرسش است و نمره‌گذاری آنها بر اساس مقیاس لیکرت به صورت همیشه، اغلب، گاهی، به ندرت، هرگز؛ انجام می‌شود (جدول ۱). اعتبار کل مقیاس در جامعه استرالیا از طریق آلفای کرونباخ

برابر با ۰/۷، و پایایی^۴ زیر مقیاسها از طریق آزمون - باز آزمون^۵ بین ۰/۴۴ تا ۰/۸۱ به دست آمد (فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳).

پرسشنامه مکانیزمهای دفاعی (اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳): پرسشنامه مکانیزمهای دفاعی به منظور تعیین روایی آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان به کار رفت. این آزمون ۴۰ سؤالی براساس مقیاس لیکرت نمره - گذاری می‌شود و آزمودنیها میزان موافقت خود با جمله‌ها را در یک مقیاس ۹گانه مشخص می‌کنند. ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هر یک از سبکهای نمو یافته^۶، نمو نایافته^۷ و روان آزوده‌وار^۸ فرم فارسی در یک نمونه دانشجویی برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ برای دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۴ و برای دانشجویان دختر به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴ و ۰/۷۴ بوده است که نشانه همسانی درونی رضایت‌بخش برای فرم ایرانی پرسشنامه سبکهای دفاعی محسوب می‌شود. پایایی بازآزمایی پرسشنامه نیز برای کل آزمودنیها $r = 0/82$ ، آزمودنیهای پسر $r = 0/81$ و آزمودنیهای دختر $r = 0/84$ محاسبه شده است (بشارت، ۱۳۸۳).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بر پایه هدف پژوهش از روشهای زیر استفاده شد:

- روشهای متداول در آمار توصیفی برای تعیین مشخصه‌های آماری گروههای نمونه.
- دو شاخص مهم درجه دشواری (میانگین سؤال) و ضریب دو رشته‌ای نقطه‌ای (قدرت تشخیص هر سؤال) برای تجزیه و تحلیل سؤالها.
- برآورد ضریب اعتبار مقیاس: فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ، بازآزمایی با فاصله (دو هفته).
- بررسی روایی مقیاس: تحلیل عاملی اکتشافی براساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۹ (PC).
- تعیین ساختار ساده مقیاس: با استفاده از چرخش متمایل پروماکس^{۱۰}.
- تأیید عوامل استخراج شده با بهره‌گیری از روش

1. solve problem
2. reference to others
3. non-productive
4. stability

5. test-retest
6. mature
7. immature
8. neurotic

9. principle component analysis
10. promax

شد. ضریب اعتبار کل مجموعه ۷۹ سؤالی برابر با ۰/۸۶۵ به دست آمد. همبستگی هر سؤال با نمره کل، نشان داد که پرسشهای ۲۷ و ۳۰ دارای ضریب همبستگی منفی و پرسشهای ۷۹، ۶۸، ۵۷، ۵۵، ۴۳، ۱۶، ۱۵، ۱۲، ۱۰ و ۹ دارای ضریب همبستگی ضعیف هستند. بنابراین، ضریب اعتبار پرسشنامه پس از حذف سؤالهای ضعیف و منفی مجدداً محاسبه شد و برابر با ۰/۸۷۹ به دست آمد (جدول ۲).

بررسی ماهیت و محتوای پرسشهای حذف شده نشان داد که این مجموعه می‌تواند تشکیل یک زیر مقیاس جداگانه را بدهد و میزان ضریب آلفای کرونباخ (۰/۶۴۵)، جدول ۳) این نکته را تأیید کرد. چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود سؤالهای حذف شده دارای قدرت تشخیص نسبتاً بالایی هستند و با توجه به محتوا، می‌توان آنها را راهبرد انزوای مایوسانه نامگذاری کرد.

روش بازآزمایی پس از دو هفته در یک نمونه ۹۸ نفری از گروه نمونه اصلی اجرا شد. نتیجه نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۷۱۱ و در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان از اعتبار و پایایی کافی برخوردار است.

رواسازی: به منظور اجرای روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) و اثبات این نکته که ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست آزمون کرویت^۲ بارتلت به کار رفت (جدول ۴).

چنانکه در جدول ۴ دیده می‌شود، مقدار KMO^3 برابر با ۰/۸۶۶ و سطح معنادار بودن مشخصه آزمون کرویت بارتلت نیز کمتر از ۰/۰۰۰۰۱ است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی براساس ماتریس همبستگی حاصل در گروه نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه است. علاوه بر این، برونشد^۴ اولیه رایانه نیز نشان داد که مقدار دترمینان^۵ ماتریس همبستگی، عددی غیر صفر برابر با ۰/۰۰۰۰۰۱۲ و تعداد عناصر غیر قطری بزرگتر از ۰/۰۹ در ماتریس AIC^۶، ۸/۳ درصد است؛ داده‌هایی که بر مبنای آنها می‌توان به

تحلیل عاملی تأییدی بر پایه نرم‌افزار لیزرل^۱.
- تعیین ساختار عاملی سبکهای مقابله‌ای از طریق تحلیل عاملی مرتبه دوم با استفاده از نرم‌افزار لیزرل.
- همبستگی بین مقیاس سبک مقابله با پرسشنامه مکانیزمهای دفاعی برای تعیین ضرایب روایی همگرا.

**جدول ۱: سبکها و راهبردهای مقابله‌ای
(فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳ الف)**

سبکهای مقابله‌ای	راهبردهای مقابله‌ای
مسئله محور	حل مسئله
	آرامش طلبی
	فعالیت بدنی
	پیوندجویی
	کارکردن
ارجاع به دیگران	تمرکز بر حل مسئله
	جستجوی حمایت اجتماعی
	جستجوی حمایت معنوی
غیرمولد	جستجوی حمایت حرفه‌ای
	کنش‌وری اجتماعی
	نگرانی
	کمک‌طلبی از دوستان
	پیوندجویی
غیرمولد	تفکر آرزومندانه
	عدم مقابله
	کنار گذاشتن مسئله
	تنش‌زدایی
	نگهداشتن برای خود
	سرزنش خود

یافته‌ها

اعتباریابی: مشخصه‌های آماری پرسشها شامل میانگین و انحراف استاندارد هر پرسش، همراه با ضریب همبستگی آن با کل مجموعه ۷۹ ماده‌ای (قدرت تشخیص سؤال) و ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف هر پرسش برآورد

1. Lisrel
2. sphericity

3. Kaiser-Meiner-Olkin
4. out-put

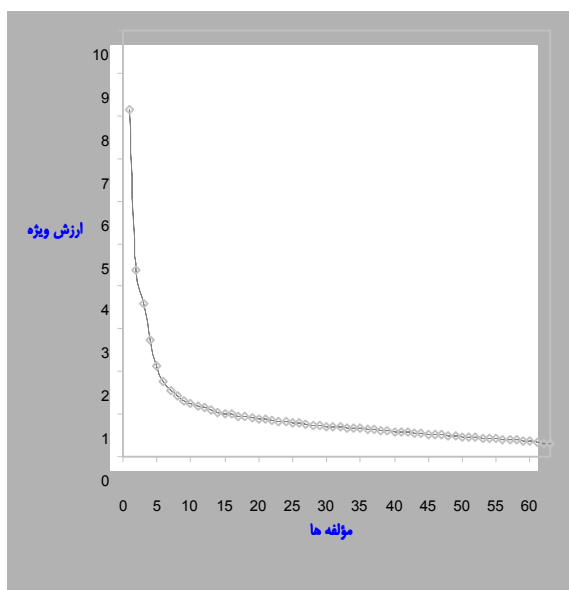
5. determinant
6. Anti Image Covariance

استخراج عاملها اطمینان کرد. (و به بیان دقیقتر، مجموعه پرسشها) از چند عامل اشباع برای تعیین این مطلب که ابزار سنجش مورد مطالعه شده، سه شاخص عمده مورد توجه قرار گرفت :

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد، همبستگی هر سؤال با نمره کل و ضریب آلفا در صورت حذف هر پرسش در مجموعه ۶۷ سؤالی

سؤال	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی با کل	آلفا پس از حذف	سؤال	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی با کل	آلفا پس از حذف
۱	۳/۱	۱/۱	۰/۳۲۱	۰/۸۷۵	۴۲	۳/۳	۱/۳	۰/۳۱	۰/۸۷۶
۲	۳/۷	۱/۲	۰/۲۴۸	۰/۸۷۶	۴۴	۴/۰	۱/۱	۰/۳۳۵	۰/۸۷۵
۳	۳/۹	۱/۱	۰/۲۵۳	۰/۸۷۶	۴۵	۳/۸	۱/۱	۰/۳۳	۰/۸۷۵
۴	۳/۰	۱/۴	۰/۲	۰/۸۷۷	۴۶	۳/۱	۱/۴	۰/۱۸	۰/۸۷۷
۵	۴/۵	۰/۸	۰/۲۹	۰/۸۷۶	۴۷	۳/۹	۱/۱	۰/۴۱۶	۰/۸۷۴
۶	۳/۵	۱/۲	۰/۴۲۵	۰/۸۷۴	۴۸	۴/۶	۰/۷	۰/۳۳۹	۰/۸۷۶
۷	۴/۱	۱/۱	۰/۳۱۴	۰/۸۷۵	۴۹	۲/۵	۱/۲	۰/۴۲۵	۰/۸۷۴
۸	۴/۰	۱/۱	۰/۳۱۱	۰/۸۷۶	۵۰	۳/۶	۱/۱	۰/۴۸۴	۰/۸۷۳
۱۱	۲/۹	۱/۱	۰/۲۹۲	۰/۸۷۶	۵۱	۳/۰	۱/۲	۰/۲۷۶	۰/۸۷۶
۱۳	۴/۵	۰/۹	۰/۳۴	۰/۸۷۵	۵۲	۳/۲	۱/۲	۰/۲۷	۰/۸۷۶
۱۴	۳/۱	۱/۴	۰/۳	۰/۸۷۶	۵۳	۳/۷	۱/۴	۰/۲۹	۰/۸۷۷
۱۷	۳/۳	۱/۳	۰/۴۰۲	۰/۸۷۴	۵۴	۳/۵	۱/۴	۰/۲۷	۰/۸۷۴
۱۸	۴/۰	۱/۰	۰/۲۷۴	۰/۸۷۶	۵۶	۲/۹	۱/۳	۰/۱۶۴	۰/۸۷۸
۱۹	۴/۳	۱/۰	۰/۲۶۸	۰/۸۷۶	۵۸	۲/۶	۱/۲	۰/۲۳۱	۰/۸۷۶
۲۰	۴/۲	۱/۰	۰/۲۷۴	۰/۸۷۶	۵۹	۳/۱	۱/۴	۰/۳۸۳	۰/۸۷۴
۲۱	۳/۳	۱/۳	۰/۲۵۹	۰/۸۷۶	۶۰	۲/۶	۱/۳	۰/۲۰۷	۰/۸۷۳
۲۲	۴/۴	۱/۰	۰/۳۱۳	۰/۸۷۵	۶۱	۲/۶	۱/۴	۰/۳۸۱	۰/۸۷۵
۲۳	۲/۱	۱/۲	۰/۳۰۳	۰/۸۷۶	۶۲	۲/۷	۱/۴	۰/۲۵۳	۰/۸۷۶
۲۴	۴/۰	۱/۳	۰/۳۱۳	۰/۸۷۵	۶۳	۲/۴	۱/۵	۰/۱۴۲	۰/۸۷۶
۲۵	۳/۸	۱/۱	۰/۳۵۶	۰/۸۷۶	۶۴	۳/۹	۱/۲	۰/۳۳۵	۰/۸۷۵
۲۶	۴/۲	۱/۱	۰/۲۷۸	۰/۸۷۶	۶۵	۲/۷	۱/۳	۰/۱۵۲	۰/۸۷۶
۲۸	۲/۰	۱/۱	۰/۱۴۹	۰/۸۷۷	۶۶	۱/۹	۱/۱	۰/۱۵۲	۰/۸۷۷
۲۹	۳/۴	۱/۴	۰/۲۶۷	۰/۸۷۶	۶۷	۲/۶	۱/۲	۰/۲۸۶	۰/۸۷۶
۳۱	۳/۲	۱/۲	۰/۳۹۱	۰/۸۷۴	۶۹	۳/۳	۱/۲	۰/۲۸۶	۰/۸۷۶
۳۲	۳/۴	۱/۳	۰/۵۱۰	۰/۸۷۵	۷۰	۲/۸	۱/۴	۰/۱۶۸	۰/۸۷۷
۳۳	۳/۱	۱/۳	۰/۲۹۶	۰/۸۷۳	۷۱	۳/۱	۱/۴	۰/۳۵	۰/۸۷۵
۳۴	۲/۳	۱/۴	۰/۱۲۱	۰/۸۷۶	۷۲	۳/۲	۱/۴	۰/۴۴۹	۰/۸۷۴
۳۵	۳/۷	۱/۱	۰/۳۲۲	۰/۸۷۵	۷۳	۲/۴	۱/۴	۰/۲۸۳	۰/۸۷۶
۳۶	۲/۸	۱/۲	۰/۲۴۱	۰/۸۷۶	۷۴	۳/۸	۱/۲	۰/۲۷۷	۰/۸۷۶
۳۷	۳/۸	۱/۱	۰/۳۴۱	۰/۸۷۵	۷۵	۲/۸	۱/۴	۰/۲۲۷	۰/۸۴۲
۳۸	۳/۶	۱/۲	۰/۳۹۴	۰/۸۷۵	۷۶	۳/۱	۱/۲	۰/۱۸۱	۰/۸۴۲
۳۹	۳/۴	۱/۱	۰/۴۰۵	۰/۸۷۴	۷۷	۳/۱	۱/۳	۰/۳۰۵	۰/۸۴۲
۴۰	۳/۵	۱/۲	۰/۴۴۱	۰/۸۷۴	۷۸	۳/۸	۱/۱	۰/۳۵۷	۰/۸۴۲
۴۱	۳/۰	۱/۵	۰/۱۹۳	۰/۸۷۷					

تحلیل مؤلفه‌های اصلی در دامنه‌ای از ۱۲ تا ۶ عامل انجام شد تا بهترین الگو به دست آید. نتایج نشان دادند که استخراج ۹ عامل تبیین کننده ۴۱/۶۸ درصد از واریانس است که در این میان عامل یکم با ارزش ویژه ۸/۳۴۸ در حدود ۱۲/۶۵ درصد و عامل نهم با ارزش ویژه ۱/۴ در حدود ۲/۰۷ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. از نمودار صخره‌ای (شکل ۱) نیز می‌توان استنباط کرد که سهم عامل یکم در واریانس کل متغیرها چشمگیر و از سهم بقیه عاملها کاملاً متمایز است. افزون بر این، از عامل نهم به بعد نیز شیب نمودار برش یافته و تقریباً هموار می‌شود.



شکل ۱: نمودار صخره‌ای تعداد عوامل اشیاع شده پرسشنامه

پس از استخراج ۹ عامل، مشخصه‌های آماری پرسشنامه دوباره برآورد شد (جدول ۶) و کمترین مقدار ارزش ویژه برابر با ۱/۳۲ به دست آمد که با ملاک پیشنهادی کیسر (۱۹۵۸) مطابقت داشت. عاملهای یکم تا نهم به ترتیب ۱۲/۹۵، ۶/۹۵، ۵/۷۰، ۴/۳۵، ۳/۳۵، ۲/۷۸، ۲/۵۰، ۳/۲۵، ۲/۰۹ درصد و این نه عامل روی هم ۴۲/۹ درصد از کل واریانس متغیرها را تعیین کرد، در این میان سهم عامل یکم هنوز چشمگیر بود.

جدول ۳: میانگین، انحراف استاندارد، همبستگی هر سؤال با نمره کل و ضریب آلفا در صورت حذف هر پرسش در زیر مقیاس ۱۲ سؤالی انزوای مایوسانه

سؤال	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب آلفا	همبستگی
۹	۲/۱	۱/۲	۰/۶۴۱	۰/۱۹۸
۱۰	۱/۸	۱/۱	۰/۶۲۹	۰/۲۷۳
۱۲	۲/۲	۱/۴	۰/۶۲۶	۰/۲۴۴
۱۵	۳/۴	۱/۳	۰/۶۳۶	۰/۲۵۶
۱۶	۲/۰	۱/۲	۰/۶۴۶	۰/۱۷۸
۲۷	۲/۲	۱/۱	۰/۶۴۳	۰/۲۳۲
۳۰	۲/۰	۱/۲	۰/۶۲۹	۰/۲۵۶
۴۳	۳/۱	۱/۳	۰/۶۱۵	۰/۳۴۹
۵۵	۲/۲	۱/۳	۰/۶۱۱	۰/۳۵۹
۵۷	۳/۱	۱/۴	۰/۶۰۶	۰/۴۰۶
۶۸	۲/۹	۱/۳	۰/۶۰۱	۰/۴۱۱
۷۹	۱/۸	۱/۳	۰/۶۱۳	۰/۲۹۹

جدول ۴: اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت ماتریس همبستگی آزمون بارتلت

معناداری	کرویت	KMO
P = ۰/۰۰۰۰۰	۱۴۶۳۴/۵۷۵	۰/۸۶۶

(۱) ارزش ویژه

(۲) نسبت واریانس تبیین شده توسط هر عامل

(۳) نمودار چرخش یافته ارزشهای ویژه یا نمودار

صخره‌ای^۱.

مشخصه‌های آماری اولیه که براساس اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی (یا روش PC) به دست آمد در جدول ۵ منعکس شده‌اند. این جدول نشان می‌دهد که ارزشهای ویژه ۱۷ عامل بزرگتر از یک است، و درصد پوشش واریانس مشترک بین متغیرها برای این ۱۷ عامل، روی هم ۵۵/۲ درصد کل است. اما این ۱۷ عامل در بسیاری از سؤالا با هم همپوشی داشتند و این مجموعه نمی‌توانست عاملهای کاملاً متمایز از یکدیگر را ارائه دهد. بنابراین

جدول ۵: مشخصه‌های آماری اولیه پرسشنامه ۱۷ عاملی
با اجرای روش PC

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۸/۳۴	۱۲/۶۵	۱۲/۶۵
۲	۴/۴۱	۶/۷۰	۱۹/۳۵
۳	۳/۶	۵/۴۹	۲۴/۸۵
۴	۲/۷۵	۴/۱۸	۲۹/۰۲
۵	۲/۲۳	۳/۳۸	۳۲/۴۰
۶	۱/۸	۲/۶۸	۳۵/۰۸
۷	۱/۶	۲/۳۸	۳۷/۴۶
۸	۱/۴	۲/۱۵	۳۹/۶۱
۹	۱/۴	۲/۰۷	۴۱/۶۸
۱۰	۱/۲۶	۱/۹	۴۳/۵۸
۱۱	۱/۲	۱/۸	۴۵/۳۸
۱۲	۱/۱۵	۱/۷۴	۴۷/۱۲
۱۳	۱/۱۵	۱/۷۳	۴۸/۸۵
۱۴	۱/۰۵	۱/۵۹	۵۰/۴۴
۱۵	۱/۰۴	۱/۵۸	۵۲/۰۲
۱۶	۱/۰۳	۱/۵۶	۵۳/۵۸
۱۷	۱/۰۱	۱/۵۳	۵۵/۱۴

جدول ۶: مشخصه‌های آماری پرسشنامه ۶۲ سؤالی با
اجرای روش PC برای ۹ عامل

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۸/۱۵	۱۲/۹۵	۱۲/۹۵
۲	۴/۴۰	۶/۹۵	۱۹/۹۰
۳	۳/۶	۵/۷۰	۲۵/۵۸
۴	۲/۷۵	۴/۳۵	۲۹/۹۵
۵	۲/۱۲	۳/۳۵	۳۳/۳۰
۶	۱/۷۵	۲/۷۸	۳۶/۷
۷	۱/۵۶	۲/۵۰	۳۸/۵۵
۸	۱/۴	۳/۲۵	۴۰/۸
۹	۱/۳۲	۲/۰۹	۴۲/۹

نتایج محاسبه میزان اشتراک هر سؤال نیز نشان داد که کمترین میزان اشتراک برابر با ۰/۳۹ و متعلق به پرسش ۸ (سعی می‌کنم تأثیر خوبی روی افرادی که

برایم مهم هستند بگذارم)، بیشترین میزان اشتراک برابر با ۰/۶۸۴ و متعلق به پرسش ۵ (برای رفع نگرانی‌هایم از خدا کمک می‌خواهم) و همچنین میزان اشتراک اکثر پرسشها بالاتر از ۰/۴ است.

به منظور ساده‌سازی استخراج عاملها و نامگذاری آنها از روشهای چرخش متمایل و متعامد (واریماکس، ابلیمین و پرومکس) استفاده شد. نتایج چندین بار چرخش عاملی به شیوه‌های مختلف نشان داد که عاملهای استخراج شده در هر سه روش تقریباً با یکدیگر یکسان هستند. مع‌هذا، نتایج حاصل از روش چرخش پرومکس که ساختار مناسب‌تر و نیز تعداد سؤالهای حذف شده کمتری داشت، انتخاب شد. ماتریس عاملی که بر اثر چرخش پرومکس به وجود آمد، در جدول ۷ نمایش داده شده است. در این ماتریس سؤالهای ۳۹، ۶۳، ۶۰، ۷۵ و ۲۱ که در چرخش عاملها با هیچ یک از عوامل بار عاملی نداشتند، حذف شدند و در نهایت تعداد سؤالها به ۶۲ رسید.

بنابر آنچه گفته شد، بر پایه نتایج تحلیل عاملی مواد پرسشنامه با اجرای روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC)، تعداد عاملهایی که مبنای تعیین مشخصه‌های نهایی قرار گرفت، ۹ عامل بود. چون این مقیاس برای نخستین بار در جامعه ایرانی اجرا شده است، حداقل بار عاملی یعنی ۰/۳۵ (هومن، ۱۳۸۰؛ کیسر، ۱۹۵۸) برای آن در نظر گرفته شد. ساختار ساده عاملها به صورت مجموعه پرسشهایی که به صورت مشترک با یک عامل همبسته‌اند و تشکیل یک زیر مقیاس را می‌دهند به همراه ضریب اعتبار و خطای استاندارد اندازه‌گیری هر یک از آنها در جدول ۸ نمایش داده شده است.

به منظور تأیید عاملهای استخراج شده از مقیاس راهبردهای مقابله‌ای، مدل تحلیل عاملی تأییدی با کاربرد بسته نرم‌افزاری لیزرل اجرا شد.

مشخصه‌های حاصل از اجرای این روش شامل برآورد ضرایب مسیر b و ضرایب استاندارد شده β ، مقادیر t و شاخصهای برازندگی مدل بر پایه ۴ معیار (۱) مجذور کای^۱، (۲) شاخص خوبی برازندگی^۲ GFI (۳) شاخص خوبی برازندگی تعدیل یافته^۳ AGFI، (۴) شاخص برازش

1. chi-square

2. Goodness of Fit Index

3. Adjustment Goodness of Fit Index

جدول ۷: ماتریس ساختار مجموعه ۶۲ سؤالی با شیوه پروماکس

سؤال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۵۹	۰/۷۶۸								
۷۲	۰/۷۳۰								
۷۱	۰/۶۷۶								
۶۱	۰/۶۶۱								
۱	۰/۶۶۰								
۶	۰/۶۰۹								
۱۷	۰/۵۱۵								
۲۳	۰/۵۰۶								
۷۷		۰/۷۵۲							
۲۸		۰/۷۵۱							
۱۴		۰/۶۱۸							
۱۱		۰/۶۰۲							
۵۳		۰/۶۰۲							
۴۶		۰/۴۷۴							
۴۰		۰/۴۷۳							
۵۰		۰/۴۵۳							
۴۹		۰/۳۶۲							
۷۴		۰/۳۳۷							
۲۶		۰/۳۳۱							
۲۴			۰/۶۹۵						
۷			۰/۶۷۰						
۳۷			۰/۶۲۳						
۶۴			۰/۵۹۳						
۲۹			۰/۵۷۷						
۵۴			۰/۵۱۶						
۴۱			۰/۴۵۷						
۱۳			۰/۳۹۴						
۲				۰/۷۶۰					
۳				۰/۷۴۲					
۱۸				۰/۶۴۲					
۷۸				۰/۵۶۹					
۲۵				۰/۴۶۶					
۵۲				۰/۴۶۱					
۴۴				۰/۴۱۵					
۲۰					۰/۶۳۷				
۱۹					۰/۵۹۸				
۳۵					۰/۴۹۸				
۲۸					-۰/۴۲۹				
۴۷					۰/۴۲۴				
۳۲					۰/۳۷۵				
۳۱					۰/۳۵۹				
۸					۰/۳۱۸				
۶۷					-۰/۳۱۸				
۴۵					۰/۳۰۱				
۶۵						۰/۷۸۰			
۵۸						۰/۶۸۵			
۷۶						۰/۶۲۱			
۶۹						۰/۵۲۴			
۶۲						۰/۴۲۶			
۴۲							۰/۵۶۸		
۷۰							۰/۵۶۶		
۵۶							۰/۵۲۶		
۵۱							۰/۴۵۶		
۳۳							۰/۴۰۳		
۷۳							۰/۳۷۵		
۶۶							۰/۳۲۵		
۵								۰/۷۶۳	
۴۸								۰/۷۳۸	
۲۲								۰/۶۹۱	
۳۶								۰/۵۸۷	
۴									۰/۷۵۵
۳۴									۰/۶۷۳

جدول ۸: ضرایب اعتبار و خطای استاندارد اندازه‌گیری برای عوامل نه‌گانه سبک‌های مقابله‌ای و زیر مقیاس انزوای مایوسانه

عامل	تعداد سؤال	α	SE
کمک‌طلبی	۸	۰/۸۱	۳/۰۳
پیوندجویی	۱۱	۰/۷۷	۳/۷۷
نگرانی‌پذیری	۸	۰/۷۵	۳/۱۳
تلاش و پیشاپیش‌نگری	۷	۰/۷۰	۲/۸۲
مثبت‌نگری	۱۰	۰/۶۳	۲/۰۷
انکار	۵	۰/۶۳	۱/۵۱
پرخاشگری فعل‌پذیر	۷	۰/۶۲	۳/۱۷
مذهب‌گرایی	۴	۰/۷۱	۱/۵۸
فعالیت بدنی	۲	۰/۵۸	۱/۵۹
انزوای مایوسانه	۱۲	۰/۶۵	۴/۲۴

مورد مقایسه قرار گرفتند. در مدل مرتبه دوم عوامل کمک‌طلبی، پیوندجویی، تلاش و پیشاپیش‌نگری، مثبت‌نگری و مذهب‌گرایی در طبقه سازش‌یافته و عوامل نگرانی-پذیری، انکار، پرخاشگری فعل‌پذیر، فعالیت بدنی و انزوای مایوسانه، در طبقه سازش نایافته قرار گرفتند.

نتایج حاصل از این دو مدل (جدول ۱۰، شکل‌های ۲ و ۳) نشان می‌دهند که شاخص‌های مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم با دو عامل رتبه نخست سازش‌یافته و سازش نایافته از برازش بسیار بیشتری نسبت به مدل تک عاملی برخوردار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی در مدل مرتبه دوم برابر ۱/۹ و کمتر از حداقل ملاکی است که براون و کادوک (۱۹۹۳) برای برازش مدل تعیین کرده‌اند. در حالیکه این مقدار برای مدل تک عاملی برابر با ۱۴/۵ است. افزون بر این مقدار RMSEA برای مدل مرتبه دوم برابر با ۰/۰۳ و بسیار کمتر از مدل تک عاملی ۰/۱۳ است. این مطلب نشان می‌دهد که در مدل مرتبه دوم خطای اندازه‌گیری به مراتب کمتر از مدل تک عاملی است. برازش بهتر مدل مرتبه دوم را می‌توان از شاخص‌های GFI، AGFI و CFI که برای مدل دو عاملی به ترتیب برابر با ۰/۹۹ و ۰/۹۸ و ۰/۹۹ به دست آمده است نیز استنباط کرد.

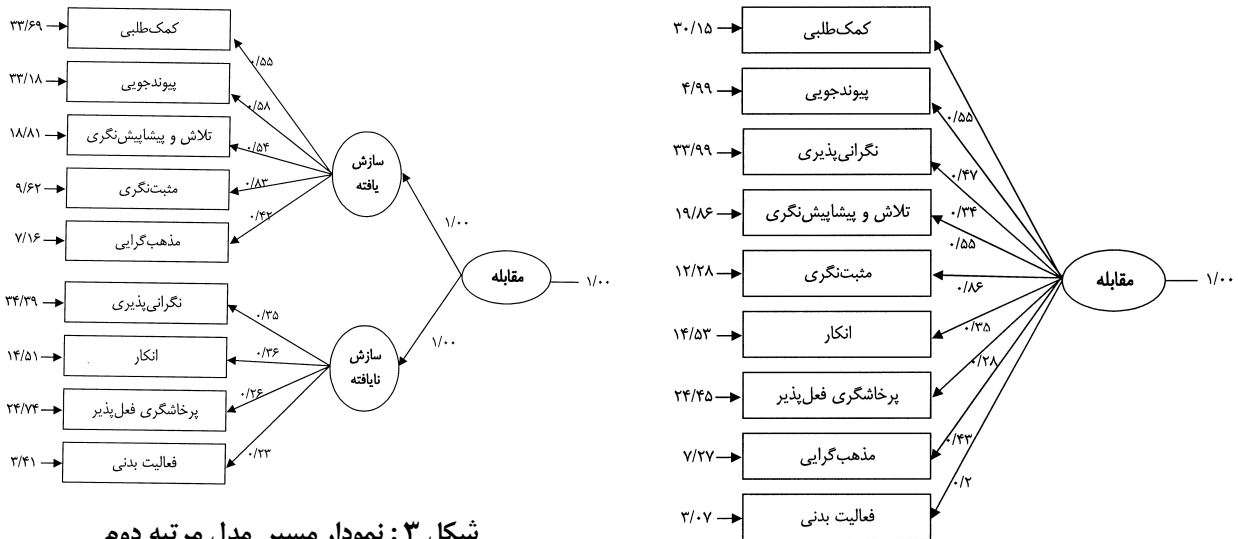
تطبیقی^۱ CFI، و ۵) RMSEA^۲ محاسبه و در جدول ۹ منعکس شده است. چنانکه در جدول ۹ دیده می‌شود شاخص‌های برازندگی مجذور کای برای عامل‌های یکم، سوم، چهارم، ششم، هفتم، هشتم و نهم از لحاظ آماری معنادار نیست ($P = ۰/۰۵$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های مربوط به عوامل بالا از برازش مناسبی برخوردارند. مقادیر مربوط به سایر شاخص‌های برازندگی (GFI، AGFI و CFI) نیز بالاتر از ۰/۹۵ هستند و نشان می‌دهند که عامل‌های حاصل از تحلیل عامل اکتشافی تأیید می‌شود. با آنکه مقادیر مجذور کای برای عامل‌های دوم، پنجم و دهم در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است اما نسبت این مقدار به درجه آزادی کمتر از ۲ و سایر شاخص‌های برازندگی آنها نیز از سطح ملاک‌های معتبر (براون و کادوک، ۱۹۹۳) بالاتر است.

ساختار عاملی: به منظور بررسی این مطلب که آیا عوامل استخراج شده با یک مدل تک عاملی از راهبردهای مقابله‌ای برازش دارد یا بنابر نظریه‌ها و پیشینه‌های مطالعاتی، برخی از راهبردها بر پایه محتوا می‌توانند زیر مجموعه عامل‌های مرتبه نخست قرار گیرند و این عوامل نیز به نوبه خود عامل مرتبه بالاتر (سبک مقابله‌ای) را تشکیل دهند، دو مدل تک عاملی و مرتبه دوم اجرا و

جدول ۹: نتایج تحلیل عامل تأییدی برای عوامل نه‌گانه

عامل	χ^2	df	P	RMSEA	GFI	AGFI	CFI
یکم	۱۹/۵۷	۱۳	۰/۱۱	۰/۰۲۵	۰/۹۹	۰/۹۸	۱/۰۰
دوم	۱۳۶/۴۱	۲۹	۰/۰۰	۰/۰۵۴	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۷
سوم	۱۵/۷	۱۰	۰/۱۱	۰/۰۲۶	۱	۰/۹۸	۱/۰۰
چهارم	۱۴/۰۷	۵	۰/۰۸	۰/۰۲	۱	۰/۹۸	۱/۰۰
پنجم	۵۲/۲	۲۶	۰/۰۰	۰/۰۵۱	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۷
ششم	۶/۰۱	۴	۰/۲۰	۰/۰۲۴	۱	۰/۹۹	۱/۰۰
هفتم	۲۰/۹۴	۱۱	۰/۳۴	۰/۰۳۳	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹
هشتم	۴/۲۸	۲	۰/۱۲	۰/۰۳۷	۱	۰/۹۹	۱/۰۰
نهم	۲۰/۹۴	۱۱	۰/۳۴	۰/۰۳۳	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹
دهم	۲۱۸/۴۵	۶۲	۰/۰۰	۰/۱۷۱	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۲

* به منظور کاهش حجم مقاله از ارائه نمودارهای به دست آمده و ضریبهای مسیر خودداری می‌شود.



شکل ۳: نمودار مسیر مدل مرتبه دوم

شکل ۲: نمودار مسیر مدل تک‌عاملی

جدول ۱۰: مشخصه‌های برازندگی مدل تک‌عاملی و مرتبه دوم سبکهای مقابله‌ای نوجوانان

مدل	χ^2	df	P	RMSEA	GFI	AGFI	CFI
تک‌عاملی	۳۹۱/۴۸	۲۷	۰/۰۰	۰/۱۳	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۸۰
مرتبه دوم	۳۴/۸۰	۱۸	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹

جدول ۱۱: همبستگی عوامل نه‌گانه و زیرمقیاس سبکهای مقابله‌ای نوجوانان با آزمون مکانیزمهای دفاعی*

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	زیرمقیاس انزوای مایوسانه
همبستگی	۰/۱۸۴	۰/۲۶۴	۰/۳۴۰	۰/۲۵۸	۰/۲۶۵	۰/۲۰۱	۰/۳۰۳	۰/۱۲۵	۰/۰۴۷	۰/۲۴۸

* همه ضرایب به غیر از عامل نهم (فعالیت بدنی) که معنادار نیست در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است.

برای برآورد روایی همگرایی پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان، همبستگی آن با آزمون مکانیزمهای دفاعی (DSQ) محاسبه شد (جدول ۱۰). چنانکه در جدول ۱۱ دیده می‌شود عوامل راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان با مقیاس مکانیزمهای دفاعی همبستگی دارند.

بحث و تفسیر

این نکته روشن است که تعامل با جهان بیرونی، مراحل تحول و درگیریهای درونی آدمی در تمام دوره‌ها و اعصار مورد توجه قرار گرفته است اما آنچه اهمیت این تعامل را بیشتر آشکار می‌سازد، شیوه‌هایی هستند که افراد برای مواجهه با این شرایط در پیش می‌گیرند. شیوه‌های تعامل که در هر دیدگاه نامی گرفته‌اند (سلطه، دفاع، واقع‌نگری در حل مسئله و ...) در مفهوم مقابله به هم می‌پیوندند. مقابله می‌تواند به طیفی از رفتارهای سازش یافته تا سازش نایافته پوشش دهد و به صورت مفهومی چند وجهی مطرح شود. بنابراین در تحلیل مقابله سه مقوله قابل شناسایی است: رفتارها، انگیزشها و بازخوردها (فرایدنبیگ، ۱۹۹۷) همانطور که توجه به این مقوله‌ها در تعریف لازاروس و فلکمن (۱۹۸۴) نقل از فرایدنبیگ (۱۹۹۷) به عنوان کاملترین تعریف مفهوم مقابله ارائه شده است: «مقابله، کوششهای رفتاری و شناختی متغیری است که نیازهای فرد را تعدیل می‌کند؛ نیازهایی که از منابع درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرند و افراد آنها را طاقت‌فرسا و فراتر از توان خود می‌دانند». بنابراین، مقابله طیف گسترده‌ای از راهبردهای نظم‌بخشی به هیجانها، تفکر سازنده، تنظیم رفتار و برانگیختگیهای خود پیرو و مهار کننده را در جهت تغییر و کاهش منابع تنیدگی‌زا به کار می‌برد (گونزالس، تین، سندلر و فریدمن؛ ۲۰۰۱) و بخشی از گستره فرایندهای نظم‌بخشی محسوب می‌شود که می‌تواند نحوه اثرگذاری تنیدگی بر پاسخهای شناختی، رفتاری، هیجانی و جسمانی را تعیین کند (کامپس^۱، کانر^۲،

اوسوویچی^۳ و ولج^۴؛ ۱۹۹۷) نقل از لوچین و تارتارو و اپلهانس؛ (۲۰۰۴) و با سازش یافتگی جسمانی، رفتاری و روان‌شناختی افراد در ارتباط باشد (فلکمن و لازاروس ۱۹۸۴) نقل از فرایدنبیگ، ۱۹۹۷؛ ولچیک^۵ و سندلر^۶، ۱۹۹۷) نقل از گریفیث، دبو و ایپولیتو، (۲۰۰۰). این ارتباط فرایندی پویا بین فرد و محیط است (فلکمن، لازاروس ۱۹۸۴) نقل از فرایدنبیگ (۱۹۹۷) که در خلال آن امکان تعیین میزان سازش‌یافتگی راهبردهای مقابله‌ای فرد فراهم می‌شود. افزایش توانایی مقابله با تنیدگی با کسب تجربه‌ها و تحول شناختی - عاطفی نیز همبسته است (گریفیث، دبو و ایپولیتو، ۲۰۰۰)، و این تحول از مهمترین عوامل تعیین‌کننده سبک مقابله‌ای افراد محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، افراد در سنین پایین‌تر از راهبردهای هیجان محور و اجتنابی (غیر مولد) بیش از سنین بالاتر استفاده می‌کنند (استرن و زیوون، ۱۹۹۶؛ همپل و پترسون، ۲۰۰۵ و فرایدنبیگ و لویس، ۲۰۰۴). مع‌هذا باید گفت که اگرچه شیوه‌های سازش‌یافتگی در بزرگسالی در چگونگی گذار از مراحل پیشین ریشه دارند و در نهایت ریخت شخصیت را تعیین می‌کنند (دادستان، در دست چاپ)، اما نوجوانی دوره تعلیق و بازنگری مسائل گذشته، توحیدبخشی به آنها در یک نظام جدید و ایجاد انسجام بین آنهاست و اگر تعارضهای پیشین برطرف نشوند، انسجام جدید شکل نخواهد گرفت (اریکسن^۷، ۱۹۶۸) نقل از دادستان، در دست چاپ). در این دوره با دگرگونیهای سریع جسمانی، شناختی، روان- شناختی و اجتماعی مواجه هستیم (پترسون، همیلتون و مک کوبین، ۱۹۹۵، پترسن ۱۹۸۸) نقل از گریفیث، دبو و ایپولیتو، ۲۰۰۰؛ بالدوین، هریس و چمبلیس (۱۹۹۷)؛ دگرگونیهایی که نوجوان را که در پی کسب استقلال و فراگیری نقشهای اجتماعی است (ایرلند، بوستد و ایرلند، ۲۰۰۵) با تنیدگیهای مختلف مواجه می‌کند (بالدوین، هریس و چمبلیس، ۱۹۹۷). در این دوره نوجوان نه تنها به یک هویت که به مجموعه‌ای از هویتها دست می‌یابد و عواملی مانند عوامل اجتماعی، در تعامل با عوامل فردی به شکل‌گیری

1. Compas, B. E.
2. Connor, J. K.
3. Osowiechi, D. N.

4. Welch, A.
5. Wolchik, S. A.
6. Sandler, I. N.

7. Erikson, E. H.

- مقیاس را نشان داد.
- تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی و چرخش پروماکس به استخراج ۹ عامل منجر شد.
- تحلیل عاملی تأییدی وجود ۹ عامل اصلی و یک زیر مقیاس را تأیید کرد.
- تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان داد ساختار عاملی مقیاس از دو سبک کلی مقابله سازش یافته و سازش نیافتفته تشکیل شده است.
- عوامل استخراج شده با آزمون مکانیزمهای دفاعی همبستگی داشت و روایی همگرای آزمون تأیید شد.
- یافته‌های به دست آمده شباهتها و تفاوت‌هایی را با مقیاس اولیه نشان دادند:
- اشتراک کامل تنها در دو عامل دیده شد (فعالیت بدنی و مذهب‌گرایی) اما مرتبه آنها متفاوت بود. به عبارت دیگر، براساس دسته‌بندی فرایدنبرگ و لويس (۱۹۹۳ الف)، عامل مذهب‌گرایی رتبه سیزدهم را داشت اما نتایج حاصل از پژوهش حاضر این عامل را در رتبه پنجم با بیشترین مقدار واریانس تبیین کننده برآورد کرد و فعالیت بدنی که در هر دو پژوهش رتبه آخر را کسب کرده بود تنها دو سؤال را در بر گرفت.
- بعضی از عوامل (انکار، نگرانی‌پذیری، تلاش و پیشاپیش-نگری، کمک طلبی و مثبت‌نگری) با اندکی تغییر، در یافته‌های پژوهش حاضر نیز به دست آمدند.
- در آزمون اولیه، ۱۸ راهبرد مقابله‌ای (حمایت اجتماعی^۱، تمرکز بر مسئله^۲، سخت کوشی و دستیابی به موفقیت^۳، نگرانی‌پذیری^۴، تفویض مسئولیت به دوستان نزدیک^۵، احساس تعلق^۶، تفکر آرزومندانه^۷، عدم مقابله^۸، کاهش تنش^۹، عمل اجتماعی^{۱۰}، نادیده گرفتن مسئله^{۱۱}، سرزنش خود^{۱۲}، نگر داشتن برای خود^{۱۳}، جستجوی حمایت معنوی^{۱۴}، تمرکز بر امور مثبت^{۱۵}، جستجوی کمک حرفه‌ای^{۱۶}، جستجوی سرگرمیهای آرامبخش^{۱۷}) از هم متمایز شده بودند. در حالی که بعضی از آنها

این هویت کمک می‌کنند. اگر نوجوان نتواند به این انسجام دست یابد و دچار تعلیق شود، به پراکندگی نقش خواهد رسید و در یافتن جایگاهی معنادار در فرهنگ خویش ناتوان خواهد بود (دادستان، در دست چاپ). در حالی که مکانیزمهای موقت نمو یافته‌ای مانند ریاضت‌طلبی و عقلی‌سازی، به او در غلبه بر آخرین مرحله بحرانی تحول عاطفی کمک خواهند کرد (منصور و دادستان، ۱۳۷۶) و توانایی مهار یا رویارویی درست با مشکلات، به صلاحیت و انعطاف‌پذیری او خواهد افزود (استورا، ۱۳۷۷/۱۹۹۱) اما ناتوانی فرد در دستیابی به انسجام و ایجاد تعلیق و پراکندگی نقش به گسترش بهره‌گیری از راهبردهای سازش نیافتفته‌ای خواهد انجامید، به شکل‌گیری مشکلاتی در حوزه‌های مختلف شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری منجر خواهد شد، بر اعضای خانواده و جامعه اثر نامطلوب خواهد داشت (فرایدنبرگ، ۱۹۹۷) و در نهایت، بروز اختلال‌هایی مانند رفتار ضد اجتماعی، تخریب‌گری، اختلال‌های خوردن، اعتیاد به الکل، مصرف مواد مخدر و ... را در پی خواهد داشت.

یافته‌های این پژوهش که با هدف اعتباریابی و رواسازی آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان (فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳ الف) شکل گرفت، به نتایجی که در پی می‌آیند منتهی شد:

- ۱۲ پرسش دارای ضریب همبستگی منفی یا ضعیف بودند. پس از حذف این سؤالاها، ضریب اعتبار پرسشنامه افزایش یافت.
- ضریب آلفای کرونباخ برای ۱۲ پرسش حذف شده محاسبه شد و بین آنها همبستگی وجود داشت، این سؤالاها از مضمون و محتوای مشابهی برخوردار بودند و عملاً یک زیرمقیاس جداگانه را تشکیل دادند که به علت محتوای آن مانند گریه کردن و اجتناب از دیگران و مقیاس انزوای مایوسانه نام گرفت.
- روش بازآزمایی پس از دو هفته در یک نمونه ۹۸ نفری از گروه نمونه اصلی اعتبار و پایایی کافی

1. seek social support
2. focus on solving the problem
3. work hard and achieve
4. worry
5. invest in close friends
6. seek to belong

7. wishfull thinking
8. not coping
9. tension reduction
10. social action
11. ignore the problem
12. self-blame

13. keep to self
14. seek spiritual support
15. focus on the positive
16. seek professional help
17. seek relaxing diversions

مانند حل مسئله و کارکردن) با هم همپوشی داشتند و بسیاری از آنها تنها ۴ سؤال را در بر می‌گرفتند. اما در پژوهش حاضر، ۹ عامل و یک زیرمقیاس به دست آمد (مذهب‌گرایی، کمک‌طلبی، پیوندجویی، تلاش و پیشاپیش‌نگری، مثبت‌نگری، پرخاشگری فعل‌پذیر، نگرانی‌پذیری، انکار، فعالیت بدنی و انزوای مایوسانه) که هر یک کاملاً متمایز از دیگری بود و به تنهایی یک راهبرد را در بر می‌گرفت و به استثنای عامل فعالیت بدنی و مذهب‌گرایی، دیگر عوامل حاصل ادغام ۱۶ عامل دیگر مؤلف بودند و بیش از ۹ سؤال داشتند. همچنین تعدادی از راهبردهای حاصل از این پژوهش (پیوندجویی، پیشاپیش‌نگری، انکار، انزوای مایوسانه و ...) با الگوی مکانیزم‌های دفاعی که در

مانند حل مسئله و کارکردن) با هم همپوشی داشتند و بسیاری از آنها تنها ۴ سؤال را در بر می‌گرفتند. اما در پژوهش حاضر، ۹ عامل و یک زیرمقیاس به دست آمد (مذهب‌گرایی، کمک‌طلبی، پیوندجویی، تلاش و پیشاپیش‌نگری، مثبت‌نگری، پرخاشگری فعل‌پذیر، نگرانی‌پذیری، انکار، فعالیت بدنی و انزوای مایوسانه) که هر یک کاملاً متمایز از دیگری بود و به تنهایی یک راهبرد را در بر می‌گرفت و به استثنای عامل فعالیت بدنی و مذهب‌گرایی، دیگر عوامل حاصل ادغام ۱۶ عامل دیگر مؤلف بودند و بیش از ۹ سؤال داشتند. همچنین تعدادی از راهبردهای حاصل از این پژوهش (پیوندجویی، پیشاپیش‌نگری، انکار، انزوای مایوسانه و ...) با الگوی مکانیزم‌های دفاعی که در

جدول ۱۲: مقایسه راهبردها و سبک‌های مقابله‌ای حاصل از پژوهش و یافته‌های فرایندنگر و لوپس (۱۹۹۳ الف)

سبک	نام عامل	شماره سؤال	عامل مؤلف	سبک	نام عامل	شماره سؤال	عامل مؤلف	سبک	نام عامل	شماره سؤال	عامل مؤلف
سبک طلبی	حمایت اجتماعی	۱	ارجاع به دیگران	سبک مذهب‌گرایی	حمایت اجتماعی	۱	ارجاع به دیگران	سبک تلاش و پیشاپیش‌نگری	کارکردن و موفقیت	۳	مسئله محور
	جستجوی حمایت حرفه‌ای	۶	ارجاع به دیگران		جستجوی حمایت معنوی	۵	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۱۸	مسئله محور
	حمایت اجتماعی	۱۷	ارجاع به دیگران		جستجوی حمایت معنوی	۴۸	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۷۸	مسئله محور
	جستجوی حمایت حرفه‌ای	۲۳	ارجاع به دیگران		جستجوی حمایت معنوی	۲۲	مسئله محور		کارکردن و موفقیت	۲۵	مسئله محور
	جستجوی حمایت حرفه‌ای	۶۱	ارجاع به دیگران		جستجوی حمایت معنوی	۲۶	ارجاع به دیگران		کنش‌وری اجتماعی	۵۲	ارجاع به دیگران
	حمایت اجتماعی	۷۱	ارجاع به دیگران		تمرکز بر مسئله	۲	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۴۴	مسئله محور
	جستجوی حمایت حرفه‌ای	۷۲	ارجاع به دیگران		کارکردن و موفقیت	۳	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۷۸	مسئله محور
	حمایت اجتماعی	۵۹	ارجاع به دیگران		تمرکز بر مسئله	۱۸	مسئله محور		کارکردن و موفقیت	۲۵	مسئله محور
	آرامش‌جویی	۲۶	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۲	مسئله محور		کنش‌وری اجتماعی	۵۲	ارجاع به دیگران
	آرامش‌جویی	۷۴	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۲	مسئله محور		تمرکز بر مسئله	۴۴	مسئله محور
سبک پیوندجویی	حمایت اجتماعی	۴۹	ارجاع به دیگران	سبک مثبت‌نگری	پیشاپیش‌نگری	۸	ارجاع به دیگران	سبک انکار	انکار	۶۵	نادیده گرفتن
	پیوندجویی	۵۰	ارجاع به دیگران		حمایت اجتماعی	۲۱	ارجاع به دیگران		نادیده گرفتن	۵۸	نادیده گرفتن
	برقراری دوستی نزدیک	۴۰	ارجاع به دیگران		تمرکز بر مسئله	۲۲	مسئله محور		نادیده گرفتن	۷۶	نادیده گرفتن
	آرامش‌جویی	۴۶	مسئله محور		تمرکز بر امور مثبت	۲۷	ارجاع به دیگران		تفکر آرزومندانه	۶۹	تفکر آرزومندانه
	برقراری دوستی نزدیک	۵۳	غیرمولد		عدم مقابله	۲۸	غیرمولد		تفکر آرزومندانه	۶۲	تمرکز بر امور مثبت
	برقراری دوستی نزدیک	۱۱	غیرمولد		تمرکز بر امور مثبت	۲۵	مسئله محور		نگهداشتن برای خود		
	برقراری دوستی نزدیک	۱۴	غیرمولد		کارکردن و موفقیت	۱۹	مسئله محور		نادیده گرفتن مسئله		
	پیوندجویی	۲۸	ارجاع به دیگران		فعالیت بدنی	۲۰	مسئله محور		نگهداشتن برای خود		
	برقراری دوستی نزدیک	۷۷	غیرمولد		کارکردن و موفقیت	۲۰	مسئله محور		تنش‌زدایی		
					کنش‌وری اجتماعی	۶۷	ارجاع به دیگران		عدم مقابله		
سبک فعالیت بدنی	جستجوی حمایت معنوی	۵	ارجاع به دیگران	سبک انزوای مایوسانه	انزوای مایوسانه	۱۳	تفکر آرزومندانه	سبک کنش‌وری	کنش‌وری	۷۳	تفکر آرزومندانه
	جستجوی حمایت معنوی	۴۸	ارجاع به دیگران		تفکر آرزومندانه	۴۱	تفکر آرزومندانه		کنش‌وری	۶۴	تفکر آرزومندانه
	جستجوی حمایت معنوی	۲۲	ارجاع به دیگران		تفکر آرزومندانه	۵۴	تفکر آرزومندانه		کنش‌وری	۳۷	کنش‌وری
	جستجوی حمایت معنوی	۲۶	ارجاع به دیگران		تفکر آرزومندانه	۲۹	تفکر آرزومندانه		کنش‌وری	۷	کنش‌وری
	تمرکز بر مسئله	۲	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۶۶	پیوندجویی
	کارکردن و موفقیت	۳	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری		
	تمرکز بر مسئله	۱۸	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری		
	تمرکز بر مسئله	۷۸	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری		
	کارکردن و موفقیت	۲۵	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری		
	کنش‌وری اجتماعی	۵۲	ارجاع به دیگران		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری		
تمرکز بر مسئله	۴۴	مسئله محور	کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری	کنش‌وری					
سبک مذهب‌گرایی	پیوندجویی	۸	ارجاع به دیگران	سبک فعالیت بدنی	فعالیت بدنی	۴	فعالیت بدنی	سبک کنش‌وری	کنش‌وری	۷۳	تفکر آرزومندانه
	حمایت اجتماعی	۲۱	ارجاع به دیگران		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۶۴	تفکر آرزومندانه
	تمرکز بر مسئله	۲۲	مسئله محور		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۳۷	کنش‌وری
	تمرکز بر امور مثبت	۲۷	ارجاع به دیگران		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۷	کنش‌وری
	عدم مقابله	۲۸	غیرمولد		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	تمرکز بر امور مثبت	۲۵	مسئله محور		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	کارکردن و موفقیت	۱۹	مسئله محور		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	فعالیت بدنی	۲۰	مسئله محور		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	کارکردن و موفقیت	۲۵	مسئله محور		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	کنش‌وری اجتماعی	۶۷	ارجاع به دیگران		فعالیت بدنی	۳۴	فعالیت بدنی		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
سبک کمک‌طلبی	پیشاپیش‌نگری	۸	ارجاع به دیگران	سبک کنش‌وری	کنش‌وری	۷۳	تفکر آرزومندانه	سبک کنش‌وری	کنش‌وری	۷۳	تفکر آرزومندانه
	حمایت اجتماعی	۲۱	ارجاع به دیگران		کنش‌وری	۶۴	تفکر آرزومندانه		کنش‌وری	۶۴	تفکر آرزومندانه
	تمرکز بر مسئله	۲۲	مسئله محور		کنش‌وری	۳۷	کنش‌وری		کنش‌وری	۳۷	کنش‌وری
	تمرکز بر امور مثبت	۲۷	ارجاع به دیگران		کنش‌وری	۷	کنش‌وری		کنش‌وری	۷	کنش‌وری
	عدم مقابله	۲۸	غیرمولد		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	تمرکز بر امور مثبت	۲۵	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	کارکردن و موفقیت	۱۹	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	فعالیت بدنی	۲۰	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	کارکردن و موفقیت	۲۵	مسئله محور		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری
	کنش‌وری اجتماعی	۶۷	ارجاع به دیگران		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری		کنش‌وری	۲۴	کنش‌وری

همانطور که جدول ۱۲ نشان می‌دهد، در بعضی از عوامل نیز سؤالاها جابه‌جا شدند و عوامل به دست آمده در پژوهش حاضر حاصل ترکیب بعضی از عوامل مقیاس اولیه بودند. عامل کمک‌طلبی از ترکیب دو

همانطور که جدول ۱۲ نشان می‌دهد، در بعضی از عوامل نیز سؤالاها جابه‌جا شدند و عوامل به دست آمده در پژوهش حاضر حاصل ترکیب بعضی از عوامل مقیاس اولیه بودند. عامل کمک‌طلبی از ترکیب دو

خود به کار برده‌اند. آنها ابتدا به طور فرضی سه سبک را در نظر گرفته‌اند و پس از تقسیم سؤالها به صورت تصادفی به سه قسمت، برای هر یک تحلیل عاملی جداگانه‌ای اجرا کرده و عوامل را به دست آورده‌اند. در حالیکه در پژوهش حاضر با به کارگیری نرم‌افزار لیزرل با حذف این خطاها و اجرای تحلیل عاملی اکتشافی و مرتبه دوم، دو سبک کلی سازش یافته (شامل عوامل کمک‌طلبی، پیوندجویی، تلاش و پیشاپیش‌نگری، مثبت‌نگری و مذهب‌گرایی) و سبک سازش نیافته (نگرانی‌پذیری، انکار، پرخاشگری فعل-پذیر، فعالیت بدنی و زیر مقیاس انزوای مایوسانه) به دست آمد.

• بررسی عوامل نشان داد راهبردهایی که در سبک سازش یافته قرار دارند، عواملی هستند که در DSM-IV-TR (۲۰۰۰) به عنوان سبکهای دفاعی سطح اول در نظر گرفته شده‌اند و تضمین‌کننده سازش یافتگی بهینه با عوامل تنیدگی‌زا هستند و با افزایش سطح رضایتمندی و فراهم کردن امکان هشجاری نسبت به احساسات، افکار و پیامدهای آنها، تعادل بهینه را بین انگیزه‌های متعارض به وجود می‌آورند (DSM-IV-TR ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر، مذهب-گرایی، کمک‌طلبی، پیوندجویی و تلاش و پیشاپیش-نگری به منزله سبکهای مقابله‌ای سازش یافته مشخص شدند:

- عامل مذهب‌گرایی بیشترین ضریب تبیین را داشت و یکی از عوامل قدرتمند در جامعه ایرانی بود. این عامل در پژوهش یه و اینوس (۲۰۰۲) بر پایه مقایسه سه فرهنگ کره، چین و ژاپن نیز به عنوان یک راهبرد مقابله‌ای مشخص شده است و بجزورک (۱۹۹۷) نیز آن را عاملی مهم در سلامت افراد دانسته است. پژوهشهای فابریکیتور و هندال (۲۰۰۲) و موشر و هندال (۱۹۹۷) نیز اثر مثبت مذهب بر پیامدهای منفی عوامل تنیدگی‌زا و ارتباط مستقیم آنها با سازش‌یافتگی را مورد تأیید قرار داده‌اند. فرایدنبرگ و لوپس (۲۰۰۴) نیز نشان داده‌اند که تجربه‌های روحانی فرد به کاهش آثار منفی تنیدگی منجر می‌شوند و سطح رضایت از زندگی را بالا می‌برند. پارگامنت، کنل، هاتدی، گری ونگود و جونز (۱۹۹۸) نیز

دو عامل تمرکز بر مسئله و کارکردن، عامل تلاش و پیشاپیش‌نگری را ایجاد کرد و عامل نگرانی‌پذیری به دو عامل نگرانی و تفکر آرزومندانه پوشش داد. عامل مثبت‌نگری از دو عامل تمرکز بر امور مثبت و کنش‌وری اجتماعی تشکیل شد و سؤالهای عامل انزوای مایوسانه از عوامل عدم مقابله، کاهش تنش، و نگه داشتن برای خود و سؤالهایی از دیگر عوامل استخراج شد. عوامل دیگر تقریباً معادل یکدیگر بودند. همانطور که ملاحظه می‌شود، توزیع گسترده عوامل در مقیاس اولیه موجب تعدد راهبردها و نامشخص بودن مرزهای هر یک شده بود که پژوهش حاضر توانست با به کارگیری روشهای آماری مناسب این مشکل را برطرف سازد.

• تفاوت اساسی نتایج پژوهش حاضر با مقیاس اولیه، دستیابی به راهبرد انزوای مایوسانه بود. راهبردی که فرایدنبرگ و لوپس (۱۹۹۳ الف) با توزیع سؤالهای آن در دیگر عوامل موجب درهم تنیدگی عوامل شده بودند. این راهبرد که گویای تسلیم و کناره‌گیری است، راهبردی کاملاً سازش نیافته است زیرا فرد هیچ کاری برای حل مسئله انجام نمی‌دهد و به هیچ وجه با آن مواجه نمی‌شود بلکه تنها آن را می‌پذیرد و خود را تسلیم سرنوشت می‌سازد. این راهبرد کاملاً با مکانیزم دفاعی که با همین نام در (DSM-IV-TR ۲۰۰۰) به عنوان مکانیزمی در سطح عمل طبقه‌بندی شده است مطابقت دارد. ابزارهای دیگر مانند پرسشنامه مقابله‌ای آلمان برای کودکان نیز این عامل را متمایز کرده‌اند.

• همانطور که پیشتر گفته شد، فرایدنبرگ و لوپس به سه سبک مقابله‌ای دست یافته‌اند که دو سبک حل مسئله و مرتبط با دیگران (مسئله محور و هیجان محور) سازش یافته‌اند و سبک غیر مولد که سبکی سازش نیافته تلقی می‌شود. سبک غیرمولد سؤالهایی را از عوامل مختلف در بر می‌گیرد و موجب بروز اغتشاش در تمایز عوامل می‌شود. این آشفتگی بین عوامل را می‌توان حاصل شیوه نامأنوسی دانست که فرایدنبرگ و لوپس (۱۹۹۳ الف) در انجام تحلیل عاملی

بر او می‌کاهد. بهره‌گیری نوجوانان از این عامل زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که بتوانند خود میان‌بینی دوره نوجوانی را طی کنند و به میان‌واگرایی عاطفی - اجتماعی نزدیک شوند. در سنین مورد مطالعه پژوهش حاضر، هنوز قریب نیمی از افراد از راهبردهای مقابله‌ای سازش نایافته سود می‌جویند و این موضوع می‌تواند زنگ هشدار برای نظام آموزشی کشور باشد که نتوانسته است به گونه‌ای مناسب آنها را در این گذار هدایت کند و ابزار مناسب برای مواجهه با جهان واقعی را در اختیارشان قرار دهد.

- یافته‌های موهینو، کرچنر، فورنز (۲۰۰۳)؛ پرسونز، فرایدنبرگ و پل (۱۹۹۶) نیز عامل مثبت‌نگری را به عنوان یکی از راهبردهای مقابله‌ای افراد در شرایط تنیدگی‌زا مطرح کرده‌اند. این عامل در برگرفته راهبردهایی مانند خوش‌بینی، شوخ‌طبعی و امیدواری به آینده است و شیوه مواجهه افراد با تعارض هیجانی یا عوامل تنیدگی‌زای برونی را با تأکید بر جنبه‌های تمسخرآمیز یا سرگرم‌کننده آنها نشان می‌دهد (DSM-IV-TR ۲۰۰۰).

• راهبردهایی که در چهارچوب سبک مقابله‌ای سازش نایافته قرار گرفتند به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: زیر مقیاس انزوای مایوسانه، نگرانی‌پذیری، انکار، پرخاشگری فعل‌پذیر و فعالیت بدنی.

- اگرچه زیرمقیاس *انزوای مایوسانه* در مقیاس اولیه وجود نداشت، اما در آزمونهای دیگر (مانند آزمون پاسخ مقابله‌ای فرم جوانان url.2006) و نیز طبقه‌بندی DSM-IV-TR (۲۰۰۰) جای گرفته است. براساس طبقه‌بندی مجموعه اخیر، این عامل که در سطح عمل قرار دارد حاکی از تسلیم در برابر مشکل و کناره‌گیری از هر نوع مقابله با آن است و احساس ناتوانی فرد در مواجهه با مسئله، موجب می‌شود تا بدون هیچ تلاشی خود را به دست امواج بسپارد و در شرایط بی‌تصمیمی قرار گیرد. این راهبرد که تا حدودی با مکانیزم دفاعی کودکانه «در خود خزیدن من در مقابل خطر بیرونی» همسان است، به محدودسازی فعالیت‌های «من» می‌انجامد و فرد را در چهارچوب بازخورد فعل‌پذیرانه محبوس می‌کند (آنافروید، ۱۹۳۶).

بر اهمیت نقش مذهب در شیوه‌های مقابله‌ای افراد تنیده تأکید کرده‌اند و آن را در هدایت، حمایت و امیدوار کردن آنها مؤثر دانسته‌اند. اما قرار گرفتن این عامل در ردیف مهمترین راهبردهای مقابله‌ای در نوجوانان جامعه ما می‌تواند ناشی از حاکمیت فرهنگ دینی در جامعه و نیز قرار گرفتن در یک جوّ مذهبی از نخستین سالهای زندگی باشد. زیرا با آنکه خداجویی در نظر علمای دین مقوله‌ای فطری است، اما همه بر اثر بسیار چشمگیر انواع آموزش بر آن اذعان دارند و بر این باورند که میزان اعتقاد به دین و ثبات و قوام آن در بزرگسالی به میزان کارآمدی آموزش‌های دینی در دوران کودکی وابسته است (دادستان، ۱۳۸۶) بنابراین نمی‌توان اثر فرهنگ و جامعه را بر گسترش این راهبرد نادیده گرفت.

- عامل کمک‌طلبی از دیگر راهبردهایی بود که در این پژوهش تحت عنوان سازش‌یافته معرفی شد. این عامل که هرگونه کمک‌طلبی از دوستان، افراد خانواده و متخصصان را در بر می‌گیرد راهبردی است که فرد از طریق آن به تبادل آراء و هیجانهای خویش با افراد دیگر می‌پردازد و با کمک خواستن از آنها برای حل مسئله تلاش می‌کند.

- برخلاف یافته‌های مقیاس اولیه که مرزهای راهبردهای کمک‌طلبی و پیوندجویی را مبهم می‌داند، در پژوهش حاضر این تمایز به خوبی مشاهده می‌شود.

- پیوندجویی فرایندی است که گذار فرد از خود میان‌بینی^۱ اجتماعی و فکری به سوی میان‌واگرایی^۲ را مشخص می‌کند (منصور و دادستان، ۱۳۷۶) و اگرچه تقسیم مشکلات با دیگران را در بر دارد اما مسئولیت آنها را متوجه دیگری نمی‌کند (DSM-IV-TR ۲۰۰۰). این عامل در کنار عامل تلاش و پیشاپیش‌نگری می‌تواند مجموعه‌ای غنی از راهبردهای سازش‌یافته را فراهم کند.

- عامل تلاش و پیشاپیش‌نگری که به معنای بررسی ابعاد مسئله و تلاش در جهت مواجهه با آثار و پیامدهای مشکل و حل آن است، در کنار مثبت‌نگری، افق‌های روشن‌تری را پیش روی فرد می‌گشاید و از فشار تنیدگی

آسیب‌پذیری به منزله سد و مانعی است که وی را فلج می‌سازد تا جایی که نمی‌تواند راه‌حلهایی را در نظر بگیرد که به او فرصت گسترش دید مثبت‌تری درباره خود را بدهند.

- در شرایطی نیز ممکن است افراد از راهبرد مقابله‌ای سازش‌نا یافته استفاده کنند. این مکانیزم دفاعی که در DSM-IV-TR (۲۰۰۰) در سطح چهارم مکانیزم‌های مقابله‌ای یا عدم پذیرش جای گرفته است بیانگر اجتناب فرد از مواجهه با مشکلات، احساسات ناراحت‌کننده، پیامدهای غیرقابل‌پذیرش و دستیابی به آرامش و دوری از اضطراب است (کوتر، ۱۹۹۶). این مفهوم را نخستین بار آنا فروید (۱۹۳۶) مطرح کرد. او انکار را مکانیزم نمونایافته‌ای دانست که با توانایی فرد برای یادگیری مقابله با واقعیت متعارض است. پژوهش‌های اخیر دامنه و کاربرد این مفهوم را گسترش داده‌اند. در تقسیم‌بندی فولکمن و لازاروس (۱۹۸۴) نقل از فرایندبرگ، (۱۹۹۷) این مفهوم در راهبردهای هیجان‌محور قرار گرفته است و در پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای (کائسار، ۲۰۰۱) نقل از کائسار و مینر، (۲۰۰۴) نیز در دسته راهبردهای اجتنابی جای داده شده است. از سوی دیگر، این عامل در تحلیل فرایندبرگ و لويس (۱۹۹۳) الف با عنوان راهبرد غیر مولد و در یافته‌های فیشر (۲۰۰۳) تحت عنوان راهبردهای منفی و در یافته‌های فورچن، ریچاردز، مین و گریفیث (۲۰۰۲) نیز با نام انکار معرفی شده است. بهره‌گیری از این عامل در نوجوانان به معنای عدم تمایل آنها به مواجهه با جهان واقعی است. به عبارت دیگر، موضوع آنقدر دردناک محسوب می‌شود که باید از عرصه هشیاری فرد واپس رانده شود تا وی بتواند به گونه‌ای عمل کند که گویی هیچ مشکلی ندارد. اما این مکانیزم حوزه تفکر، تلاش و فعالیت فرد را محدود می‌کند و مانعی در راه تحول بهنجار وی در زمینه‌های مختلف شناختی - عاطفی به وجود می‌آورد.

- یکی از یافته‌های جالب این پژوهش قرار گرفتن عامل فعالیت بدنی* در سبک سازش‌نا یافته بود. قرار

- راهبرد پرخاشگری فعل‌پذیر نیز در DSM-IV-TR (۲۰۰۰)، در سطح عمل‌جای می‌گیرد در این راهبرد فرد به جای مقابله با مسئله و بیان پرخاشگری نسبت به دیگران به نازنده‌سازی خود می‌پردازد، تمام عواطفی را که متوجه بیرون است، به سوی خود معطوف می‌کند و از این طریق از مواجه شدن با پیامدهای ناشی از بروز هیجانهای خود می‌پرهیزد. به عبارت دیگر، تبعیت ظاهری وی به منزله نقابی است که مقاومت پنهان، خشم و خصومت وی را پنهان می‌کند.

قرار گرفتن عامل پرخاشگری فعل‌پذیر و انزوای مایوسانه در کنار هم، بیانگر گسترش تسلیم، گوشه‌گیری و عدم پذیرش مسئولیت و پیامدهای عمل در بین نوجوانان است که می‌تواند موجب شکل‌گیری یأس و رکود در جامعه شود. در این راهبردها فرد وجود مسئله را انکار نمی‌کند اما به هیچ تلاشی هم برای مواجه شدن با آن دست نمی‌زند و چون مدت زمانی طولانی خود را تحت شرایط تنیدگی‌زا نگه می‌دارد، بر اساس نظریه سلیه^۱ (۱۹۳۵) نقل از استورا (۱۳۷۷) دچار فرسودگی جسمانی و روان‌شناختی می‌شود و موانعی در راه تحقق فعالیت‌های مولد و خلاقانه وی به وجود می‌آیند. این شرایط می‌تواند ناشی از فضای اجتماعی‌ای باشند که امکان مهار موقعیت را از افراد سلب می‌کنند و به دلیل خود میان‌بینیها و شکل‌نگرفتن تفکر انتزاعی موانعی در راه استفاده از راهبردهای سازش‌نا یافته به وجود می‌آورند. در این شرایط استیصال اکتسابی ایجاد می‌شود و فرد از انجام هرگونه فعالیت باز می‌ماند.

- بهره‌گیری از عامل سازش‌نا یافته نگرانی‌پذیری نیز حاکی از وجود فضای اضطراب‌آمیز و ناپایداری است که در آن فرد بدون امید به آینده خود را در حالت تعلیق نگه می‌دارد. انجام یک عمل در موقعیتهای مختلف نتایج متفاوتی به بار می‌آورد و فرد ریسمانی نمی‌یابد که بتواند با آویختن به آن به آینده‌ای روشن متصل شود. بدین ترتیب نگرانی درباره خود، آینده، فردای جهان و ... تمام فضای زندگی او را فرا می‌گیرد. این اضطراب و

1. Selye, H.

* این عامل تنها از دو سؤال (که در مقیاس اولیه قرار داشت) تشکیل شده و به یکی از محدودیتهای پژوهش حاضر شکل داده است بنابراین، تعداد سؤالها در پژوهشهای آتی باید افزایش یابد.

تمایز کردن میزان سازش‌یافتگی مکانیزم‌های مقابله در فرد، شیوه‌های دفاعی را به تصویر می‌کشد و می‌تواند در تعیین هدف‌های درمانگری و روش‌های پیشگیری کمک مؤثری باشد.

از آنجایی که یافته‌های حاصل از این پژوهش در نمونه‌ای از نوجوانان ایرانی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با نتایج آزمون اصلی داشت، به کارگیری آن برای جامعه ایرانی تنها با آماده‌سازی آزمون به این منظور میسر خواهد بود. بدین ترتیب با توجه به عوامل به‌دست آمده، تعداد سؤا‌له‌ها در هر عامل باید به صورت مناسب و مساوی با یکدیگر تهیه شود و در این صورت، با توجه به ویژگی این آزمون که امکان تعیین راهبردهای مقابله‌ای و میزان سازش‌یافتگی آنها را در یک زمان فراهم می‌کند، برای استفاده در سنین نوجوانی مناسب خواهد بود.

منابع

- استورا (۱۳۷۷). *تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن*. ترجمه پ. دادستان، تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۹۱).
- بشارت، م. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه کمال‌گرایی مثبت و منفی و مکانیزم‌های دفاعی*. تهران: گزارش طرح پژوهشی دانشگاه تهران.
- دادستان، پ (۱۳۸۶). ۱۸ مقاله در روان‌شناسی، تهران، سمت.
- دادستان، پ (در دست چاپ). *روان‌شناسی بالینی کودک*.
- منصور، م. دادستان، پ. (۱۳۷۶). روان‌شناسی ژنتیک ۲: از روان تحلیل‌گری تا رفتارشناسی. تهران: رشد.
- هومن، ج. (۱۳۸۰). *تحلیل داده‌های چند متغیره در پژوهش رفتاری*. تهران: پارسا.
- Aldwin, C. M. (2000). Stress, coping and development. An integrative perspective. The Guilford Press, London : New York.
- Andrews, G. Singh, M. & Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire, *Journal of Nervous and Mental Disease*, 181 (4). 246-256
- Baldwin, D. R. Harris, Sh. M. & Chambliss, L. N. (1997). Stress and Illness in Adolescence : issue of race and gender. *Adolescence*. 32 (128). 839-853.

گرفتن این عامل در کنار عامل انکار می‌تواند به این معنا باشد که در بسیاری از موارد نوجوانان ما برای فراموش کردن مشکلات به فعالیت بدنی و ورزش روی می‌آورند و از این طریق سعی می‌کنند به مسئله نیندیشند و با آن مواجه نشوند. این یافته با یافته‌های فرایدنبرگ و لویس (۱۹۹۳ الف) و فیشر (۲۰۰۳) که انجام فعالیت بدنی را به منزله عامل تنش‌زدایی، آزادسازی هیجان‌های نهفته و کسب فرصت برای اندیشیدن به راه‌حلی برای مسئله می‌دانند، متفاوت است. قرار گرفتن این عامل در کنار انکار و در سبک سازش‌نیافته نشان‌دهنده کناره‌گیری فرد از حل مسئله و روی آوردن به فعالیت بدنی به منزله راهبردی برای انکار مسئله است که نه‌تنها به فرد در حل مشکل کمک نمی‌کند بلکه با دور نگه داشتن آن از حوزه هشیاری، مشکلات وی را افزایش می‌دهد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در این پژوهش افزون بر اعتباریابی و رواسازی آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان (فرایدنبرگ و لویس، ۱۹۹۳ الف)، سبک‌های سازش‌یافته و سازش‌نیافته راهبردهای مقابله‌ای مشخص شدند. اگرچه این یافته‌ها با یافته‌های فرایدنبرگ و لویس (۱۹۹۳ الف و ب) و نتایج پژوهش‌های پیشین (مسترز و موریس، ۲۰۰۴؛ لازاروس و فلکمن، ۱۹۸۴ نقل از فرایدنبرگ، ۱۹۹۷؛ رنک و کریزی، ۲۰۰۳؛ فرایدنبرگ و لویس، ۱۹۹۳ الف و ب) مطابقت ندارند، اما شیوه‌ای معقول و منسجم برای طبقه‌بندی این راهبردها به شمار می‌روند که با توجه به استنباطی که از طبقه‌بندی مکانیزم‌های دفاعی در DSM-IV-TR (۲۰۰۰) برمی‌آید و راهبردهایی که در سبک سازش‌نیافته جای گرفته‌اند، این الگو قابل پذیرش خواهد بود. زیرا ۴ عامل از ۵ عاملی که در پژوهش حاضر در چهارچوب مکانیزم‌های سازش یافته قرار گرفتند، در DSM-IV-TR (۲۰۰۰) نیز در بالاترین سطح مکانیزم‌های مقابله‌ای قرار دارند و عوامل سازش‌نیافته در این پژوهش نیز به ترتیب در سطوح ۲ (سطح بازداری ذهنی، شکل‌گیری مصالحه)، ۴ (سطح عدم پذیرش)، ۵ (سطح مه‌اد تحریف تصور از خود) و ۶ (سطح عمل) این مجموعه جای گرفته‌اند. بنا بر این یافته‌ها می‌توان گفت که این پرسشنامه با

- goals, visions, and challenges. New York : Oxford University Press.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1993 a).** *Adolescent Coping Scale Administrator's Manual Research Edition*. ACER.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1993 b).** The coping strategies used by capable adolescent. *Australian Journal of Guidance and Counseling*, 3 (1), 1-9.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1996).** A Replication study of the Adolescent Coping Scale : Multiple forms and Applications of a self-report inventory in a counseling and research context. *European Journal of Psychological Assessment*. 12 (3). 224-235.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1998).** Coping with social issues : what Australian university students do. *Issues in Educational Research*. 8 (1), 33-48.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (2004).** Adolescents least able to cope : how do they respond to their stresses?" *British journal of Guidance & Counseling*, 32 (1), 25-37.
- Frydenberg, E. & Lewis, R., Bugalski, K., Cotta, A., McCarthy, C., Luscombe-Smith, N. et al. (2004).** Prevention is better than cure. *Educational Psychology in Practice*, 20, 114-133.
- Gonzales, N. A., Tein, J. Sandler, I. N., & Friedman, R J. (2001).** On the Limits of Coping : Interaction Between stress and coping for Inner – city Adolescents. *Journal of Adolescents Research*. 16 (4). 372-395.
- Griffith, A. M., Dubow, F. E., & Ippolito. F. M. (2000).** Developmental and cross situational differences in adolescents coping strategies. *Journal of Youth and Adolescence*. 29 (2). 183-204.
- Hampel, P. & Petermann, F. (2005).** Age and gender effects on coping in children and adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 34 (2). 73-83.
- Ben-Zur, H. & Reshef-Kfire, Y. (2003).** Risk taking and Coping strategies among Israeli Adolescents. *Journal of Adolescence*. 26 (3). 255-265.
- Bjorck, J. P. (1997).** Religiousness and Coping: Implications for Clinical Practice. *Journal of Psychology and Christianity*, 16 (1). 62-67.
- Brawne, C. H. & Cudeck (1993).** Alternative ways of assessing model fit. In Balleng K. A. & Ling, J. S (Eds). *Testing Structural Equation Model*. Newbury. Park, CA : Sage. 136-162.
- Byrne, B. M. (1989).** *A Primer of LISREL : Basic Application and Programming for Confirmatory Factor Analysis Models*. New York : Springer-Verlag.
- Cotter, L. P. (1996).** Further reflections on denial. The ATSA form. *New England Forensic Associates*. 8 (1). 3-12.
- DSM-IV-TR. (2000).** *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders Text Revised*. Washington, D. C. : The American Psychiatric Association.
- Fabricator, A. W. & Handal. P. J. (2002).** Personal spirituality as a moderator of Relationship between stressors and subjective well-being. *Journal of Psychology and Technology*. 28. 221-228.
- Fischer, C. A. (2003).** *The Correlation Between Grade Point Average and Coping Strategies*. Yahoo search. 2/12/2006
- Fortun, D. G. Richards, H. L. Main, C. J. & Griffiths, C. E. (2002).** Patients Strategies for adolescents. *Child Psychiatry and Human Development*. 28 (1), 1-10.
- Freud, A. (1936).** *The Ego and Mechanisms of Defense*. New York : International Universities Press.
- Frydenberg, E. (1997).** *Adolescent Coping*. London : & New York. Oxford University Press.
- Frydenberg, E. (2002).** *Beyond Coping beating*

- Patterson, J. M., Hamilton. I. & McCubbin. I. (1995).** *Adolescent coping orientation for Problem experiences (ACOPE)*. URL : <http://CL/CHIPTS.2/II/2006>
- Persons, A. Frydenberg. E., & Poole, Ch. (1996).** Overachievement and coping strategies in adolescent males. *British Journal of Educational Psychology*. 66. 102-114.
- Renk, K., & Creasey, G. (2003).** "The relationship of gender, gender identity, and coping strategies in late adolescents. *Journal of adolescence*, 26 (2). 159-168.
- Recklites, Ch. J., Noam. C. G., & Dipl, E. (1999).** Clinical and Developmental Perspectives on Adolescent Coping. *Child Psychiatry and Human Development*. 30 (2) .87-101
- Rogers, J. K. (1995).** Coping with Stereotype Treat, Denial as an Impression Management Strategy. *Journal of Personality and Social Psychology*. 89 (1), 22-35.
- Stern, M., & Zevon, M. A. (1996).** Stress, Coping and Family Environment : The adolescents response to naturally occurring stressors. *Journal of Adolescent Research*.5 (3). 290-305.
- Yeh, Ch., & Inose, M. (2002).** Difficulties and Coping Strategies of Chinese, Japanese and Korean immigrant students. *Adolescence*, 37 (145). 69-82.
- Ireland, J. L., Boustead, R. & Irland, C. A. (2005).** Coping style and psychological health among adolescent prisoners. A study of young and juvenile offenders. *Journal of Adolescence*. 28 (3). 411- 423.
- Kaiser, H. F. (1958).** The Varimax Criterion for Analytic Rotation in Factor Analysis. *Psychometrika*, 23. 187-200.
- Kausar, R. & Munir, R. (2004).** Pakistani Adolescents Coping with Stress : Effect of loss of a Parenton Gender of Adolescents. *Journal of Adolescence*. 27 (6), 599-610.
- Lazarus, R. S. (1966).** *Psychological Stress and the coping process*. NewYork : Mcgrawi.
- Luecken, L. J., Tartaro, J., & Appelhans, B. (2004).** Strategic Coping Responses and Attentional Biases. *Cognitive Therapy and Research*, 28 (1). 23-37.
- Mohino, S., Kirchner, T., & Forns, M. (2003).** Coping Strategie in young male prisoners. *Journal of Youth and Adolescence*, 33 (1) .41-49.
- Mosher. J. P., & Handal. P. J. (1997).** The Relationship between religion and psychological distress in adolescents. *Journal of Psychology and Theology*. 25. 449-457.
- Pargament, K. I., Kennell, J., Hathaway. W., Gre-vengoed. N., & Jones. W. (1998).** Religion and problem solving process : Three styles of coping. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 27. 90-104.